

## بسم الله الرحمن الرحيم

### نقد کرسی «نیازشناسی در فقه اجتماعی»

تقریر خلاصه ای از نکات دکتر سیدحسین شرف الدین، در نقد نوشتار جناب دکتر حسن خیری، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، که تحت عنوان «نیازشناسی در فقه اجتماعی» در مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، و در قالب کرسی ترویجی، در تاریخ شنبه ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ ارائه شد.<sup>۱</sup>

#### بیانات دکتر شرف الدین:

(۱) عنوان نوشتار (نیازشناسی در فقه اجتماعی) با عنوان اعلامی در پوستر نشست (فقه اجتماعی و نیازهای اساسی و پایه) هماهنگی ندارد (نیازشناسی در فقه اجتماعی انصراف روشنی به شناخت نیازهای انسان ندارد. برداشت اولیه از آن، شناخت نیازهای مفهومی، معرفتی، روشی و... در فقه اجتماعی یا میزان التفات فقه اجتماعی به نیازهای اساسی انسان اعم از فردی و اجتماعی است)

(۲) نوشتار در فرمت موجود آن به شدت ضعف ساختار و عدم انسجام محتوایی دارد.

(۳) رویکرد نوشتار دقیقاً مشخص نیست: کلامی (به دلیل بحث از پیشوایی معصوم و استمرار آن در قالب ولایت فقها)؛ فقهی (به دلیل بحث از فقه به عنوان منبعی برای تشخیص نیازهای انسان و نیز فقه اجتماعی، فقه سیاسی، فقه اقتصادی)؛ انسان شناختی (به دلیل بحث از نیازهای اساسی انسان)؛ جامعه شناختی (به دلیل بحث از حاکمیت سیاسی و حکومت دینی و ولایی و نقش آن در تامین نیازهای اساسی انسان).

(۴) برخی مفاهیم صرفاً طرح شده اند اما در کلیت نوشتار چندان مورد التفات تفصیلی قرار نگرفته اند: مقاصد الشریعه و علل الشرایع، مهندسی معکوس با بهره گیری از میزان اهتمام شریعت به برخی موضوعات و...؛ روشن است که شریعت (دین یا بخش عملی دین) اهداف و مقاصدی دارد یا منطبق با مصالح و مفاصد واقعی تشریح شده است (مثل اخراج مومنان از ظلمت به سوی نور؛ غبار روبی از فطرت الهی و...؛ یا همچون غزالی

<sup>۱</sup> - نوشتار جناب آقای دکتر خیری به عنوان متن اولیه کرسی که در جلسه تقریر شد، در ادامه این نوشتار پیوست شده است.

که اهداف ضروری شریعت را در ۵ امر خلاصه کرده است: حفظ دین، حفظ جان، حفظ عقل، حفظ نسل، حفظ مال مردم) مناسب بود شما، مقاصد الشریعه را در ارتباط با نیازهای اساسی توضیح می دادید.

۵) مناسب بود مفاهیم کلیدی بحث، هرچند به اجمال توضیح داده می شد: شریعت، فقه، فقه اجتماعی، فقه حکومتی، فقه سیاسی، نیاز، نیاز اساسی و پایه.

۶) برخی مفاهیم برغم تمایز معنایی، ازهم تفکیک نشده اند: دین و فقه، فقه و شریعت، شئون معصوم و شئون ولی فقیه.

۷) برخی تعبیر به کار رفته ابهام دارد: مثلاً «ترسیم شاکله نظام اجتماعی به دین نیاز دارد» (شاکله چیست؟ نظام اجتماعی چیست؟ ساخت یابی نظام اجتماعی علاوه بر دین به تجربه های زیسته بشر در حیات اجتماعی تاریخی اش، عقلانیت جمعی و علم و مهندسی اجتماعی که برخی جامعه شناسان متذکر شده اند، نیازمند است)

۸) تقسیم نیازها، مقسم ووجه تقسیمی مشخصی ندارد: (تقسیم شما: ۱) نیازهای مادی، ۲) امنیت، ۳) نیاز جنسی، ۴) عدالت، ۵) نیازهای معنوی. ابهام دارد بالاخره امنیت و عدالت جزو نیازهای مادی اند یا معنوی یا هیچکدام؟ بین نیاز معنوی و نیاز به معنویت فرقی وجود دارد که آنها را از هم تفکیک کرده اید؟

۹) شاید مناسب بود برای طرح نیازها به دیدگاههای روان شناسان مراجعه می شد. بزعم من هرم نیازهای آبراهام مازلو برغم نقدهای وارده هنوز هم مقبولیت خود را دارد (ضعف های این مدل: عدم توجه به نیازهای شناختی، عدم توجه به نیاز انسان به تعالی) اما به سایر نیازها در چینیسی هرم وار توجه کرده است مثل نیازهای مادی و بیولوژیک، نیاز به امنیت، نیاز به عشق و تعلق، نیاز به احترام به خود و نیاز به خودشکوفایی (یعنی مجموع نیازهای مادی و معنوی از دید یک روان شناس)

و اساساً بدون ترسیم یک مدل نمی توان جایگاه نیازهای متعدد انسان را معین کرد. روشن است که انسان نیازهای متعددی دارد و به بیان برخی روان شناسان، نیازمند ترین موجود هستی است اما این نیازها چه تعدادند، چند گونه اند، در چه ساختاری مرتب می شوند، چگونه و با چه منطقی اولویت بندی می شوند؟ و...

روشن است که ملاک های اولویت بندی نیازها در مکاتب مختلف متفاوت است (برای مثال، از دید مارکس، نیاز مادی از نوع خوراک و پوشاک مقدم بر سایر نیازهاست؛ از دید کسانی همچون فروید نیاز مادی از نوعی جنسی آن مقدم است؛ از دید کسانی همچون برگسون، فرانکل و بسیاری دیگر از معنویت گرایان، نیازهای معنوی انسان اولویت و تقدم وجودی آشکار دارند؛ اگرچه از نیازهای مادی نیز هر چند به تبع و در رتبه متاخر غافل نشده اند)

۱۰) ملاک شما برای اساسی و پایه ای شمردن برخی نیازها روشن نشده؟ اساسا یک نیاز با چه ملاکی اساسی و پایه شمرده می شود؟ با عطف توجه به واقعیت وجودی انسان هر نیازی تا مادامی که ارضا نشود در انسان نوعی بی تعادلی ایجاد می کند، مادی باشد یا معنوی (ممکن است کسانی فکر کنند که اسلام دین است و دین به نیازهای معنوی، بهای آشکار می دهد و نیازهای مادی تنها تا جایی که نیازهای معنوی اقتضاء کنند، اهمیت دارند. در هر حال، نیازهای مادی هم از دید اسلام فراوان مورد توجه قرار گرفته اند. جالب است بدانید که نویسندگان مجموعه ۱۲ جلدی الحیاه ۴ جلد آن را به مباحث اقتصادی اختصاص داده اند و با استناد به آیات، روایات متعدد و سیره معصومان نشان داده اند که اسلام به نیازهای مادی انسان فراوان اهتمام کرده و حتی ارضای آنها را در سطحی اولویت داده است چون اگر آنها بدرستی ارضا نشوند نوبت به نیازهای معنوی نمی رسد.)

۱۱) به لحاظ معرفت شناختی، نیازشناسی اصالتا در حوزه مطالعات انسان شناسی (اعم از انسان شناسی دینی، تجربی، عرفانی و فلسفی) و روشن است که فقه به عنوان یک علم تجویزی و متضمن اعتبارات عملی شارع، نگاهی استطرادی و تبعی به این حوزه دارد نه نگاه استقلاللی.

۱۲) نیازهای فهرست شده در نوشتار عمدتا نیازهای فردند یعنی نیازهای فردی فرد و نیازهای اجتماعی فرد اما به نیازهای نظام اجتماعی مثل نظم، تقسیم کار، بروکراسی، قانون، عدالت اجتماعی در حوزه نهادها و ساختارها، التفاتی نشده است (حضرت عالی به فقه نظام ها، فقه حکومتی، فقه سیاسی و فقه اقتصادی توجه دادید؛ روشن است که موضوع این نوع فقه های مضاف، کنش های نهادی در گستره کلان اجتماعی است یعنی بیش از عاملان فردی با عاملیت های ساختاری یا سازمانهای اجتماعی سروکار دارند.

۱۳) بحث کلی نوشتار دوحلقه مفقوده دارد: فقه به عنوان یک دانش تجویزی هدایت گر عاملان مومن و مکلف در راستای پاسخ دهی به نیازهاست. به بیان دیگر، رسالت فقه تولید و تجویز قواعد هنجاری لازم برای هدایت کنش های انسان در مسیر ارضای نیازهای مادی و معنوی است. (البته فقه تبعا در انگیزه زایی، ترغیب به عمل یا انصراف از آن نیز نقش دارد)

دوحلقه مفقوده در بحث شما این است که نیازهای فردی و اجتماعی افراد و نیز نیازهای جامعه در سطوح ساختاری؛ اولاً از مجرای نهادها و در چارچوب نهادها تامین می شوند؛ ثانياً، عاملان فردی و اجتماعی برای تامین این نیازها، در چارچوب نهادها به کنش گری و اقدامات عملی دست می زنند. (از این رو، فقه باید از طریق نهادسازی و در چارچوب نهادها به ساماندهی کنش های عاملان متناسب با اقتضائات محیطی اقدام کند)

۱۴) تفکیک میان حق الناس و حق الله نیز در نوشتار ابهام دارد: این تلقی که حق الله در همه موارد کاربرد همان حق اجتماع است، موید چندانی در معارف دینی و فقه ندارد، دست کم همه موارد اینگونه نیست: شاهد نقض آن عباداتی همچون نماز و روزه است که برغم حق الله بودن، عباداتی کاملاً فردی اند.

۱۵) نکته پایینی اینکه نوشتار بعضاً متضمن نکات غیر مرتبط با عنوان و موضوع یعنی نیازها و نقش فقه در تامین آنهاست. والحمدلله.

### پایان بحث دکتر شرف الدین

### نیازشناسی در فقه اجتماعی

#### حسن خیری

#### مقدمه:

بحث مقاصد الشریعه و علل الشریعه از موضوعاتی است که جایگاه خود را در فقه نیافته است. به نظر می رسد در تدوین فقه اجتماعی و اهتمام با بازخوانی آن این موضوع دارای جایگاه ویژه است. تردیدی

نیست که شریعه برای ترسیم حیات دنیوی و اخروی فردی و جمعی انسان ها است. و بر این مبنا نیاز آدمی به دین امری مسلم تلقی می شود. در این گفتار بر آن هستیم تا با مهندسی معکوس با بهره گیری از میزان اهتمام شریعت به برخی موضوعات به شناخت نیاز به موضوع راه یابیم.

### **دین نیاز فطری و تنها راه حل مسائل انسان**

دین نیاز فطری انسان است. پس فطرت آدمی دارای دو جهت است. از یک سو برای حل مشکلات اجتماعی در انسان تولید انگیزه می کند. و از سوی دیگر از طریق گرایش طبیعی به دین داری برای او امکان حل مشکل را با هماهنگی سازی مصالح عمومی و گرایش ها و خواست های ذاتی و نفسانی فراهم می سازد. و این موجب تعالی انسان می شود. لذا فرمود: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. دین فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی دانند. (روم : ۳۰) از این آیه استفاده می شود که اولاً دین از شؤون فطری انسان است. و ثانياً آن دینی که فطری است دین خالص و توحید خالص است. و ثالثاً دین حنیفی که فطری است از این جهت که بر زندگی آدمی اشراف داشته و توان جهت دهی به زندگی را دارد متمایز می گردد.

دین در دو سطح ایفای نقش می کند:

۱- همراهی دین با عوامل فطرت در حرکت انسان

۲- همراهی دین با حرکت انسان در دوران اختلاف. (حکیم، ۱۳۸۷: ۱۲۷)

دین تنها راه ممکن برای حل مسائل انسانی است؛ چرا که توان تولید انگیزه های ذاتی و درونی برای انسان همسو با مصالح اجتماعی را دارا است. و می تواند به حب ذات جهت بدهد.

### **تحقق فقه اجتماعی بدون رهبری الهی ممکن نیست:**

به علت:

۱. رویکرد نظام سازی

۲. اعمال حق الله یا حق الاجتماعی

۳. رعایت مصالح عمومی

۴. تأمین نیازهای پایه ای آدمی

### توضیح مطلب:

همانطور که برای ترسیم شاکله نظام اجتماعی به دین نیاز است؛ برای حاکمیت دستورات الهی در نظام اجتماعی نیز نیاز به راهبری الهی است. لذا در ترسیم نظام اجتماعی از سوی حکمای اسلامی بحث رئیس جامعه فاضله از اهمیت مضاعف برخوردار است. پس، پدیده شریعت به تنهایی برای رفع اختلاف و سامان داده به امور اداری و اجتماعی بشریت کفایت نکرده و نمی کند. چرا که موضوع تشخیص راه و روش درست و حق را از باطل متمایز کردن و از حال و هوای هوس ها خارج کردن، نیاز به رهبری و امام است. رهبری دینی با شناخت درست از دین و دوری از نفسانیات به اقامه حق و عدالت می پردازد. و شر ستمگران را دفع می کند. بر این اساس، جامعه؛ علاوه بر نبوت به امامت یا به تعبیر حکیم "نبوت فرمانروا" نیازمند است. و از آنجا که نیاز به رهبری مقطعی نیست؛ بر این اساس پس از پیامبران و ائمه با تعیین ملاکهای رهبری نیاز به امامت امت از طریق کارشناسان واجد شرایط تأمین می شود. اما این که این فرد باید از بیرون بصورت مستقیم از جانب خداوند مأموریت امامت جامعه را بر عهده گیرد یا از طریق اعلام پیامبر و یا تعیین شرایط، بدان سبب است که در شرایط پراکندگی و دوری از وحدت امت واحده، یکپارچگی از بین رفته و توافق بر سر فرد واجد شرایط توسط خود آحاد افراد جامعه میسر نیست و اراده ها سست شده و در این شرایط استضعاف، امکان ندارد فردی از اندرون برای اجرای عدالت بر آید و جامعه را با خود همراه سازد. "بنابر این تنها وحی الهی است که می تواند تربیت انقلابی و زمینه روانی شایسته را فراهم سازد و انقلابیون را پرورش دهد که نه خواستار برتری در زمین هستند و نه خواستار فساد و از مستضعفان پیشوایان بسازد که وظایف خلافت را به حق بر دوش گیرند و وارثان زمین باشند. (قصص: ۸۳) آنان عوامل انقلاب و دگرگونی در جامعه را در ابعاد مختلف آن پیگیری می کنند؛ از جمله:

- آنان خدا شناسی و خدا گرایی و خدا دوستی را در سرلوحه کار خویش قرار می دهند.
- آنان هم قوه ادراک انسان را تقویت کرده و عقل حقیقت یاب را شکوفا می سازند و هم احساسات و عواطف انسانها را به مسیر درست آن هدایت می کنند.

- آنان "جهاد اکبر" را در خود و آحاد افراد جامعه مورد تأکید قرار می دهند. اساس امامت برای توانمند سازی و چیرگی انسان بر خودش و عقل بر هوس و رسالت الهی بر شیطان است. عقلی که از طریق ارتباط با آرمان برتر یعنی خدای سبحان وی را به سوی حق هدایت کند. پس حل مشکل در گیری میان مترفین و مستضعفان به حل مشکل انسان با خودش بر می گردد. لذا مبارزه با خود بزرگتر است از مبارزه با دیگران
- آنان خود و جامعه را برای "جهاد اصغر" و مبارزه با دشمنان کیان جامعه آماده می کنند و در این راه ایثار می کنند.

در زمان غیبت امام زمان (عج) طبق دستور امام زمان، شیعیان به فقهای آشنا به معارف الهی و مذهب و مطیع امر الهی مراجعه کرده و آنها را مرجع دینی می شناسند. مراجع دینی در طول این دوران ملجا و پناه شیعیان بوده و رهبری جامعه اسلامی را از نظر دینی بر عهده دارند.

گرچه علم ممکن است درد را شناسایی نماید؛ اما راه درمان مسائل انسانی نیاز به انگیزه هایی است که با دانش حاصل نمی گردد؛ چرا که بسا با مصالح فردی و گروهی آنان در تزاخم باشد. برخی سرمایه داری را راه حل مسائل انسانی دانسته اند. در این نظام دموکراسی وجود دارد که در آن ایمان بی حدی برای فرد انسانی قائل شده است و این بالمآل مصالح جمع را تأمین خواهد کرد. در این راستا چهار آزادی حاصل در این نظام را مطرح کرده که عبارتند از آزادی سیاسی، اقتصادی، فکری و شخصی. در آزادی سیاسی به فرد در امور اجتماعی قدرت انتخاب داده شده است. و این سعادت فرد را بهمراه دارد. آزادی اقتصادی نیز بر پایه اقتصاد آزاد و باز مبتنی است و این موجب حفظ توازن اقتصادی و حاکمیت قانون طبیعی عرضه و تقاضا و اعمال رقابت شده و مصالح همه را تضمین می کند. آزادی فکر نیز موجب می شود که دولت ها حق سلب آزادی افراد را نداشته باشند و این موجب شکوفایی استعدادها می شود. آزادی شخصی نیز حرمت نهادن به افراد را تضمین می کند و تنها رادع و مانع آن برخورد کردن آزادی فرد با آزادی فرد دیگری است. پس برداشت اصلی در این رویکرد آن است که مصالح اجتماعی با مصالح فردی مرتبط است. (حکیم، ۱۳۸۸: ۹۹-

## نیازهای اساسی و پایه ای

برای نیاز شناسی برخی چون مازلو به بیان پلکانی نیازها مبادرت کرده است. در این گفتار با بهره گیری از منابع فقهی تلاش می کنیم نیازهای اساسی و پایه ای از منظر فقه دست یابیم.

- آدمی دارای نیازهای اساسی است که عدم بر آورده شدن آنها موجب فراهم نشدن زمینه های رشد و شکوفایی انسان است. "روابط تناسلی و تجاری و صنعتی و امثال آن از ضروریات زندگی است اینها یک سلسله نیازمندی های کلی تغییر ناپذیری است که تا انسان انسان است و دارای این فطرت و این ساختمان و مادام که انسان در یک زندگی انسانی است به آنها احتیاج دارد." (علامه طباطبایی، ۱۱۳، ۱۳۸۷) در ذیل برخی از نیازهای اساسی که تحقق آنها زمینه ساز رسیدن به مراتب بالاتر دین داری است، ارائه می شود:

الف) امنیت: امنیت، عدالت و فراوانی نیاز همه انسانهاست: ثلاثة اشيا يحتاج الناس طرا اليها الامن و العدل و الخصب (بحار، ۷۵: ۲۳۲) نعمتان مكفورتان الامن و العافيه (صدوق، خصال، ج ۱: ۳۴) "قدر دو نعمت امنیت و عافیت پاس داشته نمی شود." "من اصبح معافی فی جسده امنا فی سربه عنده قوت یومه فکان ما خیرت له الدنیا بحذافیرها" (صدوق، امالی: ۳۸۵) سه نعمت تن سالم، امنیت، روزی اگر به کسی داده شده باشد گویا همه خیرات به او داده شده است. سرزمین برخوردار از امنیت مثال زدنی است. (سوره ۱۱۲/۱۶) امام زمان امان است: و انی امان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء (بحار، ج ۲۳ روایت ۱۰ /باب ۵: ۱)

ب) نیازهای مادی: تأمین نیازهای مادی از جمله ضرورت هایی است که مورد تأکید اسلام قرار گرفته است. لذا فقر را در ردیف کفر دانسته است. "کاد الفقر ان یكون کفرا" البته این به معنای این نیست که فقیر کافر است، بلکه با رویکرد ساختار گرایانه به این معنا است که برای مهیا شدن زمینه تعالی فرد و جامعه باید خود را از فقر رها کنید. فرد و جامعه ای که همواره کاسه چه کنم در دست داشته باشد نمی تواند با فراغ بال راه شکوفایی را طی نماید و امکانات او به هدر می رود. برای فرد و جامعه فقیر آرامشی باقی نمی ماند تا فرصت تفکر و پیشرفت را طی نماید. البته فرد فقیر می تواند با بردباری و صبر و خود را زیر بار ذلت نینداختن، از این مسئله، برای تقویت ایمان خود استفاده نماید. این به معنای این نیست که مسلمان با دید مثبت به فقر نگاه کند و تلاش ننماید و به وضع فلاکت بار خود دلخوش گردد که این با دین داری منافات دارد.



ج) نیاز جنسی: نیاز جنسی نیز از جمله نیاز های اولیه است که در صورتی که بر آورده نشود؛ زمینه بهره گیری از فرصتها کمتر می شود و امکان بروز مشکلات اخلاقی، بیشتر فراهم می گردد. بر همین اساس است که گفته اند دو ثلث ایمان یا نصف ایمان با ازدواج حفظ می شود.

بر این اساس تلاش برای رسیدن به جامعه اسلامی مطلوب با تاخیر سن ازدواج و فروپاشی خانواده اتفاق نخواهد افتاد.

د) عدالت: عدالت از جمله نیاز های اولیه و پایه ای در سطوح فرد و جامعه بشمار می رود. لذا جامعه اسلامی را جامعه ای عدالت محور دانسته اند و بر عدل با عبارات مختلف تأکید شده است. از جمله اینکه رسیدن به عدل را شیرین تر از رسیدن تشنه به آب توصیف کرده اند: العدل احلی من الماء یصیبه الظمان (بحار ج ۳۷: ۷۵؛ اصول کافی، ج ۲: ۱۲۶)

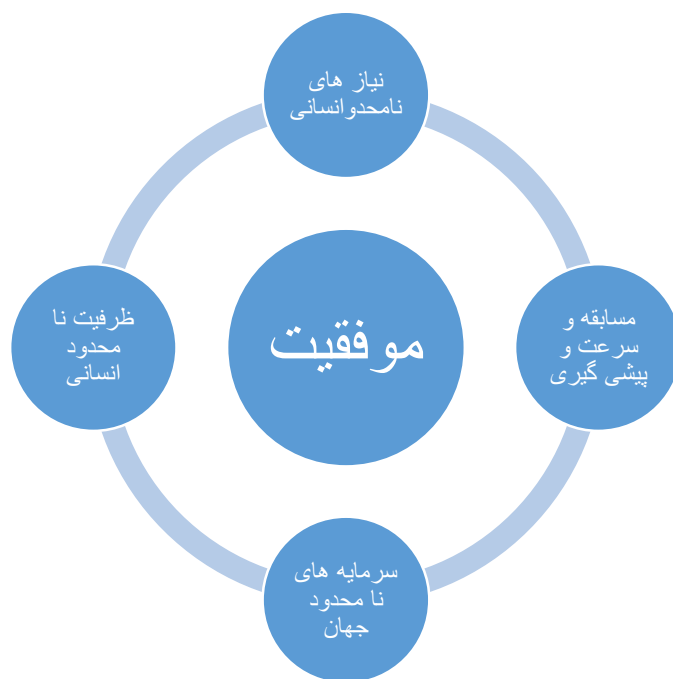
ه) نیازهای معنوی:

آدمی دارای نیازهای غریزی و فطری است و نادیده گرفتن هر یک از این دو موجب خسران و خلاف هدایت کلی و عام آفرینش است. فروید نیاز درونی انسان را غرائز دانست و خطای بینش او در گسترش چشمگیر مشکلاتی که او درصدد رفع آنها بود را امروز شاهدیم. اشباع نیازهای غریزی و فطری زمینه سعادت و تکامل انسان را فراهم می کند در غیر این صورت به قول قرآن فرد در پی سراب خواهد بود. و بر تشنگی او و ناکامی او افزوده خواهد شد.

نیاز معنویت: نیاز به معنویت از نیاز های اساسی انسان، به شمار می رود. وجود روح خدایی در انسان و فطرت خداخواه و خداجو در آدمی، زمینه لزوم توجه و ارضاء این نیاز را فراهم نموده است. بهترین دلیل این نیاز، جوامع کنونی است که گرچه تا حدی نیاز های مادی افراد را تأمین نموده اند ولی هر چه از معنویت فاصله گرفته اند، عطش مردم به معنویت بیشتر شده و شکل گیری انواع مرام های عرفان نما را موجب شده است.

-نیاز های سیری نا پذیر و منابع نا محدود: از منظر اسلام آمال و آرزوهای انسان به مطلق تمایل دارد و حد یقینی ندارد و از سوی دیگر، منابع در اختیار او، هم محدود نیست. اسلام، به این گرایش ها جهت داده است.

-پیشرفت و توسعه انسانی:از منظر اسلام این جهان و آن جهان دو روی یک سکه اند. آن جهان محصول این جهان است. آن جهان، با این جهان هم اکنون در حال ساخت است. این جهان مزرعه است و آن جهان فصل برداشت محصول و بهره برداری از آن است. در آن جهان انسان جاودان است و از محصول این جهان استفاده می کند. پس در این جهان هرچه بیشتر و بهتر کاشت صورت گیرد، محصول بهتری در آن جهان برداشت می گردد. به وسعت آن جهان برای فرد در این جهان امکان حرکت و پیشروی وجود دارد. بدیهی است محتوای عمل و نیت و اخلاص عمل و افکار در قیمت گذاری عمل حائز اهمیت است. از این منظر بهترین نظریه موفقیت با رویکرد روان شناختی در اسلام ارائه شده است که در چهارضلع قابل تبیین است "نیاز های نامحدود، سرمایه های نامحدود، قدرت و توان و ظرفیت نامحدود و تشویق به سرعت و پیشی گیری. اسلام بر نیت و فکر و کار و تلاش و توشه برگیری تأکید کرده و کسی را که دو روزش یکسان باشد را ملعون خوانده و دنیا را عالم رقابت و مسابقه دانسته است.



۵. مراتب نفس و عدم کفایت توجه به تکلیف فردی در شکل گیری شاکله

## (و) ملاحظه حق الله و حق الناس

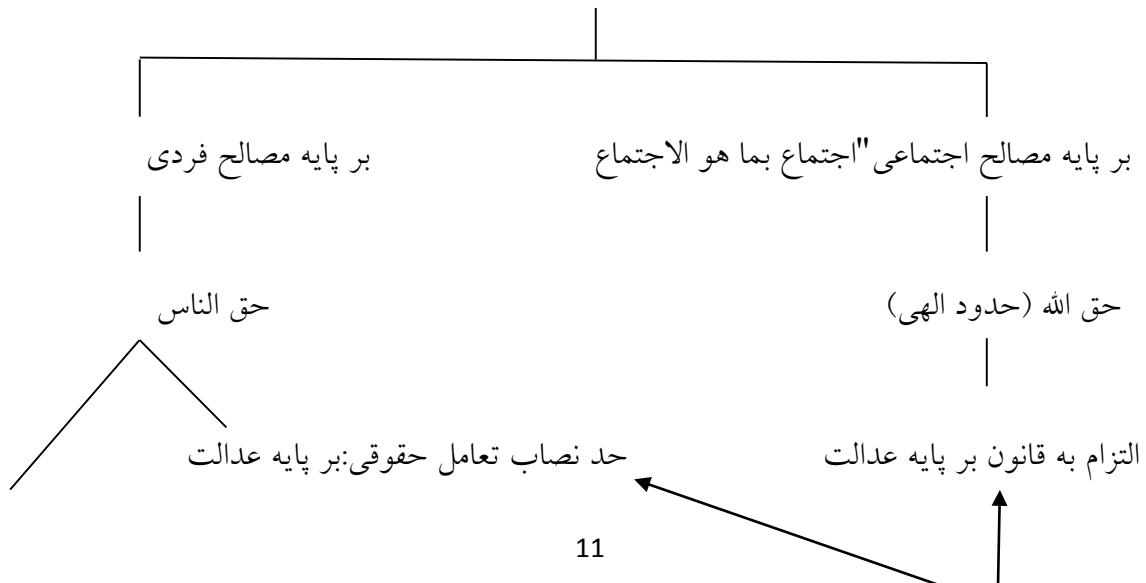
از منظر فقه اسلامی حقوق به حق الله و حق الناس تقسیم می‌شود:

حق الله، حقی است که قانون‌گذار اسلام در رابطه با کل جامعه اسلامی و امت اسلامی وضع کرده است. سخن از اموری است که هدف از آن تحقق مصلحت جمعی و نظم عمومی است، این‌گونه حقوق مربوط به شخص یا گروه خاصی نیست. مطالبه یا عدم مطالبه در آن تفاوتی ندارد، حق بخشش در آن راه ندارد و پس از احراز بلافاصله باید ایفا شود. (عوده، عبدالقادر: ۲۷۹)

در مقابل، حق الناس، حقی است که آن را قانون‌گذار برای فرد خاصی یا افراد خاصی معین و مقرر داشته است که در پرتو آن به منافع منظور دست یابند. مانند حق الشفعه حق الناس است و در پرتو آن سودی به دست می‌آید که فقط عاید شریک مال غیرمنقول می‌شود و به هیچ کس دیگری مربوط نیست و مانند حق قصاص که از نظر اسلام حق الناس محسوب می‌شود و در آن حق الناس بر حق الله غلبه دارد.

از منظر اسلام «جامعه به مسافران یک کشتی می‌ماند که در دریا به سوی مقصدی رهسپار است اگر یکی از سرنشینان کشتی به سوراخ کردن آن سرگرم شود و کسی جلوی او را نگیرد، آب در درون کشتی راه می‌یابد و کشتی و همه مسافران را در کام امواج فرو می‌برد ولی اگر سرنشینان کشتی او را به جای خود بنشانند همه را از مرگ و نابودی نجات بخشیده‌اند». (فیض، ۱۳۷۳: ۵۸)

روابط انسانها" از نظر قلمرو شخصی یا اجتماعی داشتن رابطه



تشویق تعامل اخلاقی: ایثار و اغماض و... بر پایه محبت



ساختار گرای (در مفهوم واقعیت گرایان)

← اجتماع ساخت و کنش → کنش گرای و (شکل گیری ساخت ذهنی با

فهم مشترک عموم مردم)

(ز) ضرورت کارآفرینی در جامعه

صدقه آن است که آدمی چیزی را ببخشد و انتظار بازگشت و ادای آن را توسط گیرنده نداشته باشد و قرض الحسنه آن است که گیرنده ملتزم و مکلف به ادای قرض است. در میزان ثواب و پاداش صدقه ده برابر و میزان پاداش قرض الحسنه هجده برابر بیان شده است. این مطلب حاکی از آن است که شارع مقدس درصدد رفع مشکلات نیازمندان است و در عین اینکه این مهم بخودی خود حاوی اهمیت است اما مناسبتر آن است که در عین اینکه نیاز نیازمندان مرتفع می گردد این موضوع باعث سرافکنندگی و کسر شأن و تولید افراد سربار و تکدی نیز نشود. لذا با در کنار هم قرار دادن این دو می توان به یک راهبرد اساسی در سیاست های اقتصادی اسلامی دست یافت.

(ح) در سوره هود آیه استقامت قرار دارد که پیامبر فرمود سوره هود مرا پیر کرد. این آیات مشتکل بر چند نکته اساسی در راهبردهای سیاسی است که بر اساس آن می توان نیازشناسی کرد و سیاست های حوزه سیاست را تدوین کرد. آن امور مهم در آیات عبارتند از:

۱. استقامت

۲. اهل طغیان نبودن : لاتطغوا

۳. اتکا نکرده به دشمنان: لاترکنوا الی الذین ظلموا

۳. نیاز به تقویت ایمان با ذکر خدا

۴. صبر و بردباری.

امروز هم مشاهده می شود که پای بندی به این امور حلال مشکلات نظام مستقر جمهوری اسلامی ایران است. به وضوح شاهدیم که سازش موجب جری تر شدن دشمنان و افزوده شدن مشکلات شده است و عمل به این نسخه موجب سربلندی و پیشرفت بوده است.

## خلاصه:

در این گفتار کوتاه نمونه هایی را ارائه کردیم که می تواند زمینه ساز شکل گیری مناسبتر فقه اجتماعی ( و همچنین فقه سیاسی و فقه اقتصادی گردد.)

## منابع و مأخذ:

حکیم، سید محمد باقر، (۱۳۸۷) *جامعه انسانی از دیدگاه قرآن*، ترجمه موسی دانش، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.

حکیم، سید منذر حکیم، (۱۴۳۰، ۱۳۸۸) *مجتمعنا فی فکر و تراث الشهید محمد باقر صدر*، طهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، مرکز الدراسات العلمیه.

خیری، حسن (۱۳۹۲) *مبانی نظام اجتماعی اسلام*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

صدوق، محمد، (۱۳۶۳)، *الامالی*، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، قم، انتشارات کتابخانه اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۷) *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.

عوده، عبد الباقي، *حقوق جنایی اسلام*، ترجمه اکبر غفوری، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

عوده، عبدالقادر، (۱۳۷۳) *حقوق جزای اسلام*، ج ۲، ترجمه ناصر قربان‌نیا و همکاران نشر میزان.

فیض کاشانی، ملا محمد محسن، (۱۳۸۳) *المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، تصحیح و تعلیق، علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، الطبعة الثانية.

\_\_\_\_\_، (۱۳۸۳ق) *المحجّه البيضاء*، قم، جامعه مدرسین.

فیض، علیرضا، (۱۳۷۳) *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*، سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم.

کلینی محمد یعقوب، (بی تا) *اصول کافی*، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت ۷.

کلینی محمد یعقوب، *اصول الکافی*، ج ۱، تهران، انتشارات مسجد چهارده معصوم ۷.  
مازلو، ابراهام اچ، (۱۳۶۷) *انگیزش و شخصیت*، مترجم احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.  
مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۴) *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، تهران، دارالکتاب اسلامی.

و السلام علیکم